



## امروز جمعه 6 آذر 9 ذي الحجه 27 نوامبر

امروز جمعه 6 آذر 9 ذي الحجه 27 نوامبر ...

امروز جمعه 6 آذر 9 ذي الحجه 27 نوامبر

### روز عرفه و أعمال و عبادات آن

روز عرفه، از روزهای شریف سال و از بهترین عید های بندگان خدا است. گرچه به عید معروف نشده است ولی روز با سعادت و با برکتی است.

برای زائران و حاجیان خانه خدا اعمال ویژه ای است، که در رساله های مناسک حج بیان گردیده است. برای غیر حاجیان، حضور در حرم ابا عبدالله الحسین (ع) در کربلا و خواندن دعا، مناجات و زیارت آن حضرت و سایر شهیدان واقعه عاشورا، افضل عبادات است و ثواب آن، معادل دعا و مناجات حاجیان در عرفات و یا بیشتر از آن می باشد. در این جا به برخی از اعمال عبادی این روز شریف اشاره می کنیم:

1- معرفی پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) و تشریح حقانیت و فضائل آنان. عمرو بن ابی مقدم، روایت نمود: ابو عبدالله [امام جعفر صادق] علیه السلام را در روز عرفه در سرزمین عرفات دیدم که با صدای بلند، مردم را می خواند و به آنان می فرمود: یا ایها الناس! ان رسول الله کان الامام، ثم کان علي بن ابی طالب، ثم الحسن، ثم الحسين، ثم علي بن محمد، ثم ه. آن حضرت، این خطابه را سه بار در پیش روی، سه بار در سمت راست، سه بار در سمت چپ و سه بار در سمت پشت سر و جمعاً دوازده بار بیان نمود.

عمرو بن ابی مقدم گفت: از لغت دانان عرب در باره واژه "ه" پرسیدم، به من گفتند: این واژه برای فلان طائفه عرب است. [منظور آن حضرت از این واژه، امامت خودش بوده است]. در عصر ما، شایسته است در چنین روزی وجود شریف منجی عالم بشریت و حجت خدا در زمین، یعنی حضرت مهدی (ع) به مردم شناسانده شده و آنان را به ظهور وی امیدوار نمایند.

2- توبه و طلب بخشش گناهان . خداوند در شب و روز عرفه، توبه بند گانش را می پذیرد. همان طور که در چنین روزی توبه حضرت داوود (ع) و حضرت آدم (ع) را پذیرفت.

3- غسل کردن در روز عرفه.

4- زیارت امام حسین (ع) .

در باره ثواب زیارت امام حسین (ع) در روز عرفه، روایات زیادی وارد گردیده که اکثر آن ها به توانر رسیده است.

5- خواندن نماز.

چندین نماز برای شب و روز عرفه وارد شده است، از جمله خواندن دو رکعت نماز در فضای باز و در زیر آسمان، پیش از پرداختن به سایر ادعیه و مناجات . هم چنین خواندن نماز امیرالمؤمنین (ع) و دوازده رکعت نماز دیگر [در شش نماز دو رکعتی].

6- خواندن تسبیحات روایت شده از پیامبر (ص) [سبحان الذي في السماء عرشه، سبحان الذي في الارض حكمه...]. این تسبیحات، صد بار خوانده شود، آن گاه صد بار سوره توحید، صد بار آیه الكرسي و صد بار صلوات بر محمد وآل محمد (ص) نیز خوانده شود.

7- خواندن دعاهای مأثوره.

از جمله دعای امام حسین (ع) در روز عرفه [الحمد لله الذي ليس لقضائه دافع...]. و دعای امام زین العابدین (ع) [اللهم لك الحمد بديع السماوات و الارض، ذا الجلال و الاكرام...]. به هر روی، شب و روز عرفه از ایامی است که بندگان خدا برای اصلاح نفس خود و ایجاد رابطه ای قویتر میان خود و خالقشان، باید تلاش بلیغی به عمل آورند و از چنین فرصت های ارزشمندی، بهره های وافر یابند

### ماجرای سدّ ابواب و استثنای حضرت علی (ع) در سال دوم قمری

پیامبر اکرم (ص) پس از هجرت به مدینه منوره و تشکیل نظام اسلامی، در آغازین روزهای حضورش در این شهر اقدام به ساختن مسجد نمود، تا پایگاه و محل گرد همایی و عبادت مسلمانان باشد.

مهاجرانی که از مکه معظمه به مدینه منوره هجرت کرده و فاقد خانه و مسکن بودند، همین مسجد را خوابگاه خویش قرار دادند. اما پس از مدتی پیامبر (ص) آنان را از خوابیدن و بیتوته کردن در مسجد [به خاطر حفظ شئون اسلامی و احترام به اماکن مقدس] بازداشت و دستور داد تا برای خویش خانه هایی بسازند و از مسجد بیرون روند.

مهاجران، خانه هایی در اطراف مسجد ساختند ولی هر کدام از آنان، در پی مسجد گشودند، تا ضمن ابراز علاقه مندی به مسجد، در رفت آمد آنان به مسجد آسان شود و برای درک نماز جماعت رسول خدا (ص) توفیق بیشتری داشته باشند.

از این وضعیت، مدت چندانی نگذشته بود که جبرئیل امین بر رسول خدا (ص) فرود آمد و به آن حضرت وحی کرد که خداوند

سبحان می خواهد مسجد پاک و نظیف بماند و رفت و آمد مسلمانان در آن، در حال پاکی و طهارت باشد، بدین جهت تمام دره‌هایی که به آن گشوده شده است، باید بسته شوند، جز در خانه علی(ع)، که از این امر استثناء است. پیامبر اکرم(ص)، معاذبن جبل را مأموریت داد که این خبر را به مسلمانان برساند و بگوید دره‌های خود را به سوی مسجدالنبی(ع) ببندید.

معاذبن جبل پیام رسول خدا(ص) را به صحابه آن حضرت، از جمله ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه، زبیر، عبدالرحمن عباس و حمزه ابلاغ کرد و همگی اطاعت کردند و درهای خود را بستند.

برخی از آنان درصدد چانه زنی برآمده و برای خود امتیاز اندکی طلب می کردند. روایت شده است که عمر بن خطاب پس از دریافت پیام رسول خدا(ص) به نزد آن حضرت رفت و به وی عرض کرد: یا رسول الله! لی بقدر ما انظرا لیک بعینی؛ ای رسول خدا(ص)! من نیز به مانند دیگران در خانه ام را می بندم ولی از تو خواهش دارم که به اندازه دیدن چشم مرا معاف داری تا من از آن سوراخی تورا و داخل مسجد را بنگرم. پیامبر(ص) از پذیرش در خواست عمر بن خطاب امتناع نمود و فرمان داد که کلاً باید بسته شود. تمام درهایی که به مسجد گشوده بودند، بسته شد. جز در خانه امام علی بن ابی طالب(ع) که پیامبر وی را از بستن در خانه اش استثناء نمود.

این امر بر برخی از صحابه کبار و ریش سفیدان همراه پیامبر(ص) گران آمد و پشت سر آن حضرت گلایه و شکوه نمودند. این خبر به پیامبر اسلام(ص) رسید. پیامبر(ص) روزی در مسجد مدینه برای آنان خطبه خواند و در ضمن آن فرمود: قد بلغنی ما قلتُم فی سد الابواب، واللہ ما انا فعلت ذلک، ولکن اللہ فعله و ان اللہ اوحی الی موسی(ع) ان یتخذ بیناً طهراً لا یجنب فیہ، الا هوو هارون وابناه، یعنی لایجامع فیہ غیر هم و ان اللہ اوحی الی ان اتخذ هذا البیت طهراً، لا ینکح فیہ الا انا و علی و الحسن و الحسین و اللہ ما انا امرت بسد ابوابکم ولا فتحت باب علی، بل اللہ امرنی به؛

آن چه در باره بسته شدن درها گفتید، خبرش به من رسید. به خدا سوگند من آن را انجام ندادم، بلکه این فرمان الهی بود [که از طریق من به شما ابلاغ گردید]. خداوند متعال به حضرت موسی(ع) وحی فرستاد که خانه پاک را [برای عبادت و پرستش] برگزیند و کسی در آن به جنابت نرسد مگر خود موسی(ع) و برادرش هارون(ع) و فرزندان هارون، یعنی غیر از آنان کسی در آن آمیزش انجام ندهد. خدای سبحان به من نیز وحی فرستاد که این خانه [مسجدالنبی] را پاکیزه نگه دارم و کسی در آن نکاح انجام ندهد [به حالت جنابت وارد نشود] جز من، علی، حسن و حسین [که از این فرمان مستثنا شدیم]. به خدا سوگند من بسته شدن درهای شما را و باز بودن در خانه علی را فرمان ندادم، بلکه این خدای بزرگ بود، که به من چنین فرمانی داد. به هر روی، تمام درها بسته شد جز در خانه پیامبر(ص) و در خانه علی(ع) و خداوند سبحان بار دیگر فضیلت و برتری علی(ع) را پس از پیامبر(ص) بر تمامی خلایق، از جمله بر همه اصحاب و یاران رسول خدا(ص) اثبات و آشکار نمود مورخان و سیره نویسان، تاریخ دقیق این واقعه را بیان نکردند، مگر برخی از آنان، که آن را در نهم ذی حجه ذکر کرده و سال وقوع را متذکر نشدند.

از برخی شواهد و قراین به دست می آید که این واقعه در نهم ذی حجه سال دوم قمری به وقوع پیوست.

### شهادت مسلم بن عقیل(ع) در کوفه در سال 60 هجری قمری

مسلم بن عقیل پسر(ع)، عموی امام حسین(ع) به نمایندگی از آن حضرت، جهت سامان بخشیدن به قیام شیعیان کوفه بر ضد یزیدبن معاویه، در پنجم شوال سال 60 قمری وارد کوفه شد و در خانه مسلم بن مسیب، که خانه سرای مختار بن ابی عبیده ثقفی بود فرود آمد. از آن هنگام ریش سفیدان و بزرگان شیعه به محضرش حاضر شده و پس از استماع نامه امام حسین(ع) اظهار، خوشحالی کرده و با مسلم بن عقیل(ع) به نمایندگی از آن حضرت، بیعت می کردند.

سایر شیعیان و محبان اهل بیت(ع) و مخالفان حکومت دیکتاری بنی امیه، به تدریج متوجه حضور نماینده امام حسین(ع) در کوفه شده و به محضرش می شتافتند، تا علاوه بر آشنایی با او، از طریق وی با امام حسین(ع) اظهار اطاعت و بیعت نمایند. تعداد فراوانی از مبارزان کوفه با مسلم بن عقیل(ع) بیعت کردند و او را به ادامه قیامی بزرگ بر ضد خلافت جائرانه یزید امیدوار نمودند. تا اینکه تعداد بیعت کنندگان به هیجده هزار تن رسید. در این هنگام مسلم بن عقیل(ع) نامه ای برای امام حسین(ع) نوشت و ضمن گزارش آمادگی مردم کوفه، آن حضرت را به این شهر دعوت کرد.

در آن زمان حاکم شهر کوفه، نعمان بن بشیر بود و نسبت به سایر استانداران یزید، طمع چندانی در قتل و غارت مردم نداشت. وی که از آمدن مسلم بن عقیل(ع)، به کوفه خبردار شده بود، طی سخنانی در مسجد اعظم کوفه، مردم را از سر پیچی و آشوبگری بر حذر داشت و به صورت ظاهری، آنان را تهدید به سختگیری و اعمال خشونت نمود.

ولی این مقدار، هواداران بنی امیه را راضی نگه نمی داشت و بدین جهت افرادی چون عبدالله بن مسلم خضرمی، عمارة بن ولید و عمر بن سعد نامه هایی برای یزید نوشته و ضمن گزارش فعالیت های مسلم بن عقیل(ع)، خواهان اعزام حاکم خشن تر و سختگیرتر شدند.

یزید بن معاویه، پس از مشورت با غلام پدرش، بنام "سرجون" تصمیم به تعویض حاکم کوفه گرفت. وی، طی حکمی عبیدالله بن زیاد، حاکم بصره را با حفظ سمت، به استانداری کوفه منصوب کرد.

با آمدن عبیدالله به کوفه، وضع این شهر دگرگون شد.

هواداران بنی امیه تقویت شده و با شیطنت ها و فتنه انگیزی های عبیدالله، روز به روز کار مسلم بن عقیل(ع) مشکل تر شد. مسلم بن عقیل(ع) برای پیش برد قیام، ناچار شد خانه اش را تغییر داده و در خفا به سر برد و انقلابیون را به صورت غیر آشکار سازماندهی کرده و برای قیامی بزرگ آماده کند. بدین جهت از خانه مسلم بن مسیب به خانه هانی بن عروه نقل مکان کرد و از

طریق برخی از یاران و اصحاب مطمئن خویش با شیعیان رابطه برقرار میکرد. عبیدالله بن زیاد با به کارگیری سرمایه های زیاد و جاسوسان و نفوذی های خویش، به مخفی گاه مسلم بن عقیل(ع) پی برد.

او، با ترفندی هانی بن عروه را به قصر دارالاماره برد و از وی بازجویی سختی بعمل آورد و به خاطر میزبانی مسلم بن عقیل، دستور داد او را مورد ضرب و شتم قرار داده و بر وی سخت گیرند. هانی بن عروه در دارالاماره ضروب و زخمی شد و در حجره ای زندانی و مورد اذیت و آزار جسمی و روانی قرار گرفت و این مسئله برای مسلم بن عقیل(ع) بسیار گران آمد. بدین جهت هوا داران و شیعیان را برای آشکار کردن قیام فرا خواند. تعدادی با او همراه شده و برای رهایی هانی بن عروه به سوی دارالاماره حرکت کردند. با اینکه قیام مسلم بن عقیل، پیش از موعد مقرر آغاز شده و بسیاری از مبارزان و رزم جویان از آن بی اطلاع بوده و یا اساساً در آن زمان، در کوفه نبودند، با این حال چندین هزارمرد جنگی با مسلم بن عقیل(ع) همراه شده و به سوی دارالاماره هجوم آوردند. عبیدالله بن زیاد که توان مقابله و برابری با آنان را نداشت، به درون دارالاماره گریخت و در های ورودی را از پشت بست و برای متفرق کردن شیعیان و مبارزان، دست به نیرنگ های متعدد زد و از این راه، تعداد زیادی از مبارزان را از اطراف مسلم بن عقیل(ع) پراکنده نمود.

با فرا رسیدن تاریکی شب، یاران مسلم بن عقیل پراکنده شده و او پس از پایان نماز مغرب، تنها شد و کسی با او باقی نمانده بود.

وی، سرگشته و بی پناه بود و در کوچه های کوفه می گشت تا به جایی که بیاساید، ولی نمی خواست به خانه ای از خانه های یاران و ارادتمندانش برود و برای او ناراحتی و درد سری ایجاد کند. تا اینکه به در خانه پیر زنی به نام "طوعه" رسید. طوعه پس از شنا سازی وی، بسیار احترامش کرد و در خانه محقر خویش، وی را جا داد. مسلم بن عقیل(ع) آن شب را با نماز و مناجات به پایان رساند و خود را برای مبارزه ای سخت و توان فرسا مهیا نمود. طوعه، پسری داشت که از حضور مسلم بن عقیل(ع) در خانه خویش با خبر شد و به طمع گرفتن جایزه، عبیدالله بن زیاد را از آن مطلع نمود.

عبیدالله بن زیاد برای دستگیری مسلم بن عقیل(ع)، تعداد سیصد نفر از مزدوران خویش به فرماندهی محمد بن اشعث را به سوی خانه طوعه اعزام کرد.

مسلم بن عقیل(ع) از خانه طوعه بیرون آمد و یک تنه با آن همه مرد جنگی به نبرد پرداخت و چندین نفر از آنان را کشت و تعدادی را زخمی نمود و همین امر باعث ترس و وحشت سر بازان عبیدالله شد و از روبرو شدن با مسلم بن عقیل(ع) پرهیز می کردند. بدین جهت، محمد بن اشعث پیامی برای عبیدالله فرستاد و تعدادی نیرو بیشتری تقاضا کرد و عبیدالله از اینکه برای یک جوان رزمنده هاشمی، این همه نیروی رزمی کفایت نمی کند، شگفت زده شد و افراد کمکی دیگری برای پسر اشعث فرستاد.

محمد بن اشعث که از نبرد با مسلم بن عقیل(ع)، عاجز مانده بود، به وی پیشنهاد امان داد و گفت در صورت تسلیم شدن، از امان نامه عبیدالله بر خوردار خواهد گردید. ولی مسلم بن عقیل اعتناپی به امان وی نکرد و جهاد و مبارزه اش را ادامه داد. تا اینکه کوفیان تصمیم به هجوم جمعی گرفته و او را از هر سو محاصره کردند و پس از وارد کردن زخم های فراوان، وی را در حالی که از شدت تشنگی بی حال شده بود دستگیرش کرده و به نزد عبیدالله بردند.

عبیدالله بن زیاد پس از بازجویی از مسلم(ع) و هتاکتی به وی و خاندان رسالت، دستور داد وی را به شهادت رسانند. مردی از اهالی شام که در نبرد با مسلم بن عقیل(ع) زخمی شده بود، مأمور کشتن وی شد و آن مظلوم و غریب را به بالای کوشک دارالاماره برد و سرش را از بدن جدا کرد و تن بی جانش را به زمین انداخت.

عبیدالله بن زیاد، پیش از کشتن مسلم بن عقیل(ع) دستور داد هانی بن عروه و دو تن از یاران مسلم بن عقیل(ع) به نام های: هانی بن ابی حیه و ادعی و زبیر بن ارواح تمیمی را که به دست مزدوران حکومتی دستگیر شده بودند، نیز گردن زنند. آن گاه، بدن های شهیدان را نگویند بر دار کرده و سرهایشان را با نامه ای به نزد یزیدین معاویه در شام فرستاد. تاریخ قیام مسلم بن عقیل(ع) در کوفه، روز سه شنبه هشتم ذی حجه و روز شهادتش نهم ذی حجه سال 60 قمری بود.

### رحلت سید ابوالحسن اصفهانی در سال 1365 هجری قمری

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت: او اصالتاً از سادات موسوی بهبهان بود، پدرش مرحوم سید محمد فرزند مرحوم سید عبدالحمید از شاگردان صاحب جواهر می باشد که در سال 1277 هجری قمری در قریه (مدیسه) از قرا (لنجان) اصفهان به دنیا آمد.

تحصیلات: تحصیلات اولیه را در اصفهان در مدرسه نیاورد به انجام رساند و در سال 1307 هجری قمری به قصد ادامه تحصیلات، عازم حوزه علمیه نجف گردید و در محضر درس بزرگان و فضیلات حوزه نجف شرکت جست و به درجه عالی اجتهاد نائل آمد

اساتید: وی از محضر میرزا ابوالمعالی کلباسی و مرحوم آخوند خراسانی بیشترین اوقات تحصیلی خود را سپری نموده است.

شاگردان: در حوزه پر برکت اصفهانی دست پروردگان بسیاری را به اجتماع مسلمین ارائه داد شده که به عنوان نمونه از فقهای نامدار زیر می توان نام برد:

- 1 - سید محسن حکیم
- 2 - سید محمد هادی میلانی
- 3 - شیخ عبدالنبی اراکی
- 4 - میرزا هاشم آملی
- 5 - میرزا محمد تقی آملی
- 6 - مرحوم معز الدوله
- 7 - شیخ محمد حسین خیابانی (والد استاد جعفر سبحانی)
- 8 - شیخ محمد تقی بروجردی

گفتار بزرگان : مرحوم مرعشی نجفی ( ره ) می فرمودند : وقتی که جنازه مطهر سیچ ابوالحسن اصفهانی در صحن مطهر علوی بود، مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطا خطاب به جنازه، این جمله جاودانی را انشا فرمود : (هنیا لك يا ابا الحسن، عشت سعیدا و مت حمیدا قد انسیت الماضین و اتعبت الباقین كانك قد ولدت مرتین). یعنی : (گوارا باد بر تو نزول بر معبود خویش زندگی سعادت‌مندانه و مرگ و رحلت پسندیده ای داشتی زندگی تو آن چنان با شکوه و توأم با تدبیر بود که بزرگان گذشته را به بوته فراموشی سپردی و آیندگان را به تعب افکندی گویا تو دو بار به جهان آمده بودی يك بار تجربه و درایت کسب نموده و بار دیگر آن را به کار بسته بودی.

خصوصیات اخلاقی : او دارای صفات کریمه و همت بلند بود و در کیاست و درایت و مدیریت، گوی سبقت را از دیگر هم ردیفان خود برده بود او بیان رسا و طبع روان داشت.

او صاحب روح بزرگ پایداری و استقامت در راه خدا بود معروف است که فرزند رشیدش سید حسن اصفهانی در بین نماز مغرب و عشا، به دست يك فرد دیوانه و تعلیم دیده به قتل رسید و این پدر هفتاد ساله خم به ابرو هم نیاورد و حتی از قاتل فرزند خود نیز گذشت، و این نمونه و ضرب المثل پایداری و صبر در بین اقران بود.

دوران : انگلیس ها به بهانه حفظ پایگاه های خود، در عراق به این کشور اسلامی لشکر کشی کردند و آن را اشغال نمودند رشید عالی نخست وزیر عراق به ایران گریخت و سپس به مصر رفت همراه با حمله انگلیس ها به عراق و فرار رشید عالی ،امیر عبدالله دائی، فیصل و نوری سعید از افسران عراق که به اردن پناهنده شده بودند با قوای امدادی انگلیس، به عراق آمدند و دو باره دولت دستوری خود را در عراق تشکیل دادند و در این موقع انتخابات فرمایشی راه انداختند و آن در سال 1341 هجری قمری بود فیصل در این انتخابات اکثریت آرا شیعه را منظور نداشت و این انتخابات توسط علما و فقها شیعه تحریم گردید مرحوم میرزای نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی، دو مرجع بزرگوار و عالیقدر آن روز، فعالیت های مرحوم شیخ مهدی خالصی را مورد تأیید قرار دادند و این امر زمینه های قیام مردم را فراهم ساخت که مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی و میرزای نائینی و سید هبة الدین شهرستانی به ایران تبعید گردیدند.

حادثه مسجد گوهرشاد : مورد دوم از دهها مورد فعالیت آن فقیه عظیم الشان در امور سیاسی، اجتماعی مسلمانان، عکس العمل آن فقیه بزرگ در برابر حوادث مسجد گوهرشاد بود فاجعه مسجد گوهرشاد مشهد، یکی از دهها و صدها حوادث جنایت بار دوران رضا خان پهلوی است که مردم مسلمان را در راه حمایت از روحانیت به خاک و خون کشید آن روز مردم در اعتراض به دستگیری سید حسین قمی دست به تظاهرات زده بودند وقتی خبر به رضا شاه رسید که دهها هزار نفر از مردم مشهد به دفاع از اهداف اسلام و روحانیت در مسجد گوهرشاد اجتماع کرده اند، دستور داد همه مردم را از طرف درها و چهار طرف پشت بام مسجد، به رگبار مسلسل ببندند و هیچ نوع رحم به صغیر و کبیر و زن و مرد نکنند دستور دژخیم تاریخ، توسط مأمورین جنایت کار او عملی شد و مردم بی دفاع را به صغیر گلوله بستند و چندین هزار نفر از زن و مرد و روحانی و غیر روحانی، زائر و بومی را به شهادت رساندند پس از این یورش وحشیانه، درهای مسجد را باز کردند و زندگان را بیرون بردند و کشتگان را به کامیونها ریخته و همه را در خندقی که در بیرون شهر برای همین منظور حفر کرده بودند، ریختند و روی آن را پوشاندند که هنوز آن نقطه به قتلگاه مشهور است .

پس از این ماجرا، سید حسین قمی در باغ سراج الملك شهر ری محبوس گردید و هر گونه تماس با ایشان ممنوع اعلام شد بعد از يك ماه بود که او را به اتفاق فرزندش و جمعی دیگر به اعتاب مقدسه تبعید کردند وقتی سید حسین قمی وارد کربلا شد، مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی، دامادشان آقای سید میرزا را با نامه ای به نمایندگی از خود خدمت ایشان اعزام نمود و آقا سید میر گفته بود : آقا به من دستور داده اند از طرف ایشان دست شما را بیوسم این عمل سید ابوالحسن اصفهانی، مرجع تقلید اسلامی اثر خود را بخشید و به این ترتیب سید ابوالحسن اصفهانی رضایت خود را از اعمال و خدمات آن عالم ربانی و نارضایی و خشم خود را از اعمال فجیع دولت سر سپرده رضا خانی اعلام نمودند.

مرجعیت : پس از رحلت آخوند خراسانی در سال 1329 هجری قمری، مرجعیت عامه با میرزا محمد تقی شیرازی بود او احتیاطات خود را به ایشان ارجاع داده بود پس از در گذشت او در سال 1338 هجری قمری، میرزای نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی، هر دو به عنوان مرجع تقلید معروف و مشهور گردیدند، تا اینکه میرزای نائینی در سال 1355 هجری قمری بمیرم سال با فوت شیخ عبدالکریم حائری در گذشتند مرجعیت به صورت تمام به سید ابوالحسن اصفهانی در نجف و اغلب بلاد شیعه، محرز و مسجل گردید ایشان رساله ای نگاشتند که نام آن ( وسیلة النجاة ) می باشد که ترجمه فارسی آن ( صراط النجاة ) و ترجمه اردوئی آن ( طریق النجاة ) می باشد.

وفات : سید ابوالحسن اصفهانی در روز دوشنبه نهم ذی الحجه سال 1365 هجری قمری مطابق با سیزدهم آبان ماه سال 1325

هـ. ش در کاظمین چشم از جهان فرو بست و به جهان باقی و به لقا دوست شتافت. در گذشت این عالم ربانی چنان شور و غوغایی در مردم عراق، ایران، پاکستان و هندوستان و تمام بلاد شیعه نشین ایجاد کرد که تا آن روز بی سابقه بود .

### **درگذشت دکتر محمد حسن لطفی مترجم، پژوهشگر و سال 1378 هجری شمسی**

دکتر محمد حسن لطفی مترجم، پژوهشگر و دانشمند ایرانی سال 1378 هجری شمسی درگذشت. دکتر لطفی تحصیلاتش را در آلمان به اتمام رساند و در رشته های فلسفه و حقوق فارغ التحصیل شد. فهم دقیق وی از فلسفه و تسلط او به زبانهای آلمانی، انگلیسی و فرانسوی وی را به سمت ترجمه آثار شاخص فلسفه یونان و غرب سوق داد. دکتر لطفی از معدود کسانی بود که متون کلاسیک فلسفی را به فارسی ترجمه کرده است. مجموعه آثار &#171;افلاطون، فلاسفه یونان و فرهنگ رنسانس در ایتالیا &#171; از آثار ارزشمند دکتر لطفی در زمینه ترجمه بشمار می رود.

### **برگزاری کنفرانس سران سه کشور آمریکا، انگلستان و شوروی سابق در تهران در سال 1322 هجری شمسی**

کنفرانس سران سه کشور آمریکا، انگلستان و شوروی سابق در تهران در سال 1322 هجری شمسی برگزار شد. کنفرانس تهران در پی پیشرویهایی ارتش آلمان نازی در جریان جنگ جهانی دوم برپا شد. در این کنفرانس سران سه کشور یاد شده درباره چگونگی اتخاذ شیوه های مبارزه با ارتش آلمان و کمک به جبهه های نبرد با یکدیگر تبادل نظر کردند. در پایان کنفرانس تهران که 4 روز بطول انجامید اعلامیه مشترکی توسط روزولت، چرچیل و استالین صادر شد که در آن به انهدام نیروهای نظامی آلمان و چگونگی انجام عملیات در جبهه های شرق، غرب و جنوب اشاره شده بود.

### **آغاز پرواز هواپیما ها از قطب جنوب در سال 1929 میلادی**

برای اولین بار در تاریخ هوانوردی در سال 1929 میلادی و اکتشافات هوایی یک هواپیما از قطب جنوب پرواز کرد و به این ترتیب پرواز هواپیماها از روی قطب آغاز شد. در این روز مهم تاریخی دریاسالار ریچارد بیرد قطب شناس بزرگ آمریکایی با هواپیما به این اکتشاف بزرگ اقدام کرد. او در روزهای 28 و 29 نوامبر دوبار از روی قطب جنوب گذشت.

### **درگذشت فلیکس ساواریت پزشک، مخترع و فیزیکدان فرانسوی در سال 1841 میلادی**

164 سال پیش در چنین روزی - 28 نوامبر سال 1841 میلادی: فلیکس ساواریت پزشک، مخترع و فیزیکدان فرانسوی در 50 سالگی درگذشت. از مهمترین اختراعات او &#171;چرخ دندانه دار و ضدیخ &#171; را می توان نام برد.